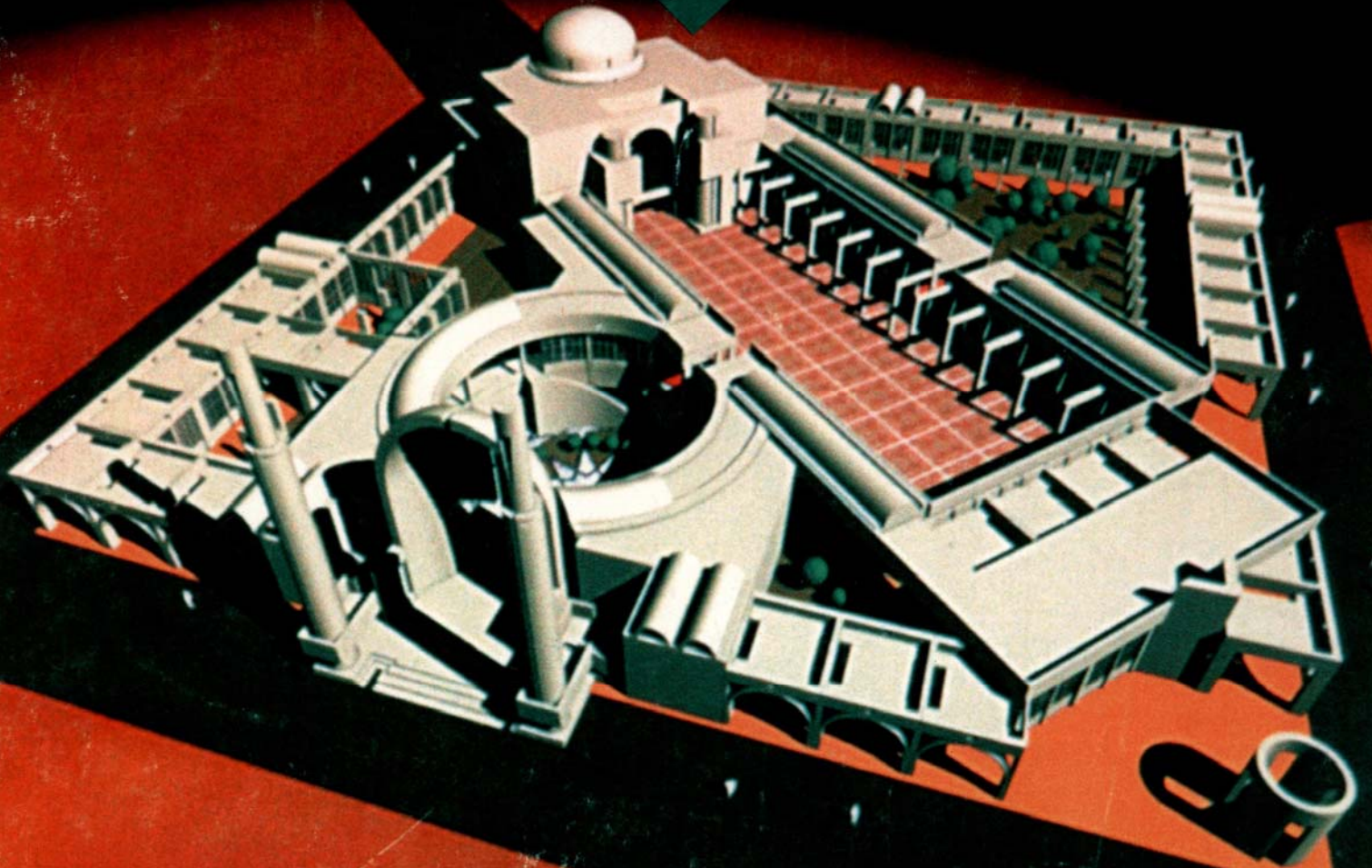
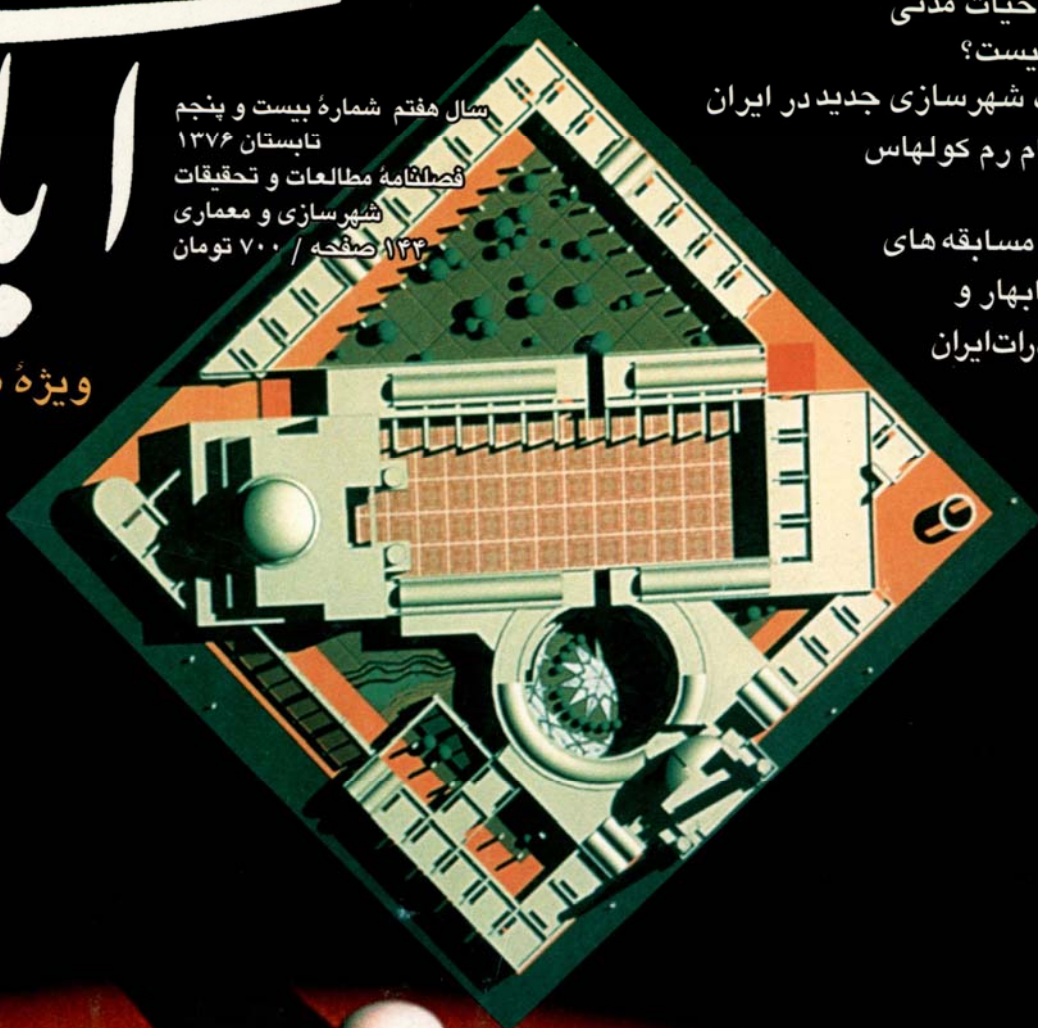


آباد

سال هفتم شماره بیست و پنجم
تابستان ۱۳۷۶
فصلنامه مطالعات و تحقیقات
شهرسازی و معماری
۱۱۶۶ صفحه / ۷۰۰ تومان

ویژه طراحی شهری

- تجربه جهانی طراحی شهری در سه دهه اخیر
- طراحی شهری: معانی و مفاهیم
- طراحی شهری و حیات مدنی
- طراحی شهری چیست؟
- گاهشمار تحولات شهرسازی جدید در ایران
- نقد مقاله شهر عام رم کولهاس
- شهر بی شناسه
- معرفی طرحهای مسابقه های
- مسجد مرکزی چابهار و
- بانک توسعه صادرات ایران





کامران صفامنش

مهندسان مشاور صفامنش و همکاران

تاریخ شهر گویای دوره‌های تحولی گوناگون است. زمانی شهرها با ارائه زبانی مشترک شکل می‌گرفتند که در زمان طولانی و با رفت و برگشتهای بسیار جا می‌افتاد. در دوره بعد، به اصطلاح دوره میانی، بازهم شهرها براساس یک الگوی معین فکری ساخته شدند، دوره سوم که با حرکت مدرنیسم و اندیشه‌های علمی در جهان آغاز شد، شهرسازی جدیدی را ساخت که حاصل آن گرافها و فرمولها و کتابچه‌های بسیار طولانی است که علمی را به نام شهرسازی ساختند که امروز منسوخ شده است. شهرسازی در این دوره در دو جهت حرکت کرد: در مقیاسی بسیار بزرگ، با برنامه ریزی کلان و در مقیاسی کوچک در حد ۱/۵۰۰.

گروه دوم که در مقیاس کوچک کار را آغاز کردند، به شهر کمی نزدیکتر شدند. ارتفاعشان را کم کردند. نتیجه این کم کردن ارتفاع دیدن فضاهای شهری، میادین و خیابانها و محلات و ساختار شهر بود. در همین جا مقوله طراحی شهری مطرح شد و تجربیات بسیار در این زمینه، به تکوین علم طراحی شهری انجامید؛ علمی که در مقیاس معینی تفکر و مداخله می‌کند و می‌تواند هم سطوح کلان و هم سطوح خرد را ببیند و ارتباط آنها را با هم بسنجد. در ۱۵ سال

عمده‌ترین مانع اجرای طرحهای شهری مشکل تملک و تجمیع است.

ضرورت تهیه طرحهای شهری در شهر ما، براساس نیاز متقاضیان ساختمان در محدوده‌هایی که اکنون برای آنها تهیه طرحهای شهری را آغاز کرده‌ایم، تشخیص داده شد. عمده مکانهایی که برای آنها طرح تهیه می‌کنیم در بافت پُر شهر یا اراضی با ارزش واقع شده‌اند. عمده‌ترین موانع در اجرای این طرحها اولاً مشکل تملک و تجمیع است که به شکلهای مختلف بروز می‌کند و دوماً تأمین منابع مالی برای اجرای آنها. همه می‌دانیم این طرحها در صورت اجرا در عمل ثروت تولید می‌کنند، اما به دلیل محدود بودن قدرت سرمایه‌گذاری شهر، در تأمین منابع مالی اجرای طرحها عملاً دچار مشکلات بسیار هستیم. از نظر اداری و سازمانی هم با مشکل ابهامات و عدم پاسخگویی صریح نهادهای ذریبط رویارویم. هر طرح شهری را باید به کمیسیون ماده ۵ ببریم و هریک از سازمانهایی که به نحوی به موضوع کار مربوط می‌شوند، مثلاً سازمان میراث فرهنگی - که ضوابطی برای برخی از محدوده‌های شهری دارد - باید اظهار نظر کنند. اما متأسفانه پاسخ استعلامها یا پرسشهای ما صریحاً داده نمی‌شود. تأخیر در پاسخگویی یا اظهار نظر مبهم موجب بلا تکلیفی می‌شود.

اندازه زیادی خودشان خود را به وجود آورده‌اند و رابطه ما با آنها، به یک معنا، برعکس شده است. در اینجا این پدیده‌ها هستند که افکار ما را شکل می‌دهند. طراحی شهری در همه جنبه‌های خود، از جمله در مورد اراده نیز دیگر مدتهاست به شکل گذشته، آنچنان که شاه عباس و ناپلئون سوم عمل کرده‌اند، عمل نمی‌کند؛ خود پدیده بزرگتر از همه اراده‌هاست، مثل سیلاب حرکت می‌کند. واقعیت قدرت این پدیده را که در نتیجه کمی شگفت‌انگیز شکل گرفته است نمی‌توان نادیده گرفت. مشکلات آن را هم باید به شکل دیگری دید.

بسیاری از مسائلی که در مورد این شهرها به عنوان مشکل مطرح می‌شود در واقع مشکل نیستند، مشکل تلقی می‌شوند چون ما نمی‌خواهیم خود را با واقعیات وفق دهیم. چرا به جای فکر کردن درباره این که این پدیده را چگونه درست کنیم، به این فکر نمی‌کنیم که چطور خود را با آن تطبیق دهیم؟ من نمی‌گویم باید بگذاریم همین طور بماند، ولی به صورتی هم که معمولاً در چهارچوب مباحث طراحی شهری مطرح می‌شود، نمی‌توان با آن رفتار کرد.



امیرقلی شامکلی

معاون فنی شهرداری تبریز

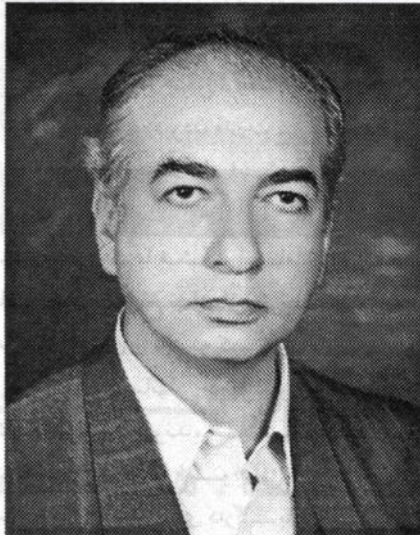
باید دید روشنفکران چقدر می توانند در این دوره چهارم شهرسازی نقش بازی کنند.

در سالهای اخیر شهرداریهای کشور، به ویژه در شهرهای بزرگ، دست به فعالیتهای متنوع و نسبتاً زیادی در حوزه های مختلف عمران و بازسازی شهری زده اند. بخشی از این فعالیتهای زیرنام زیباسازی صورت می گیرد. اما حداقل در تهران به تدریج فعالیت زیباسازی جای خود را به فعالیت طراحی شهری می دهد. طراحی شهری مفهومی گسترده تر و عمیقتر از زیباسازی دارد. در واقع زیباسازی را باید حالتی ویژه و بخشی از طراحی شهری به حساب آورد. به هر حال به رغم تجربه اندوزیها و نتایج و آثار قابل توجهی که در سایه فعالیتهای عمران شهری، طراحی شهری یا زیباسازی در اختیار داریم، بیشتر از هر زمان دیگر لازم است که با مفهوم و گستره هدفها و روشهای فعالیت طراحی شهری برای شهرهای کشورمان برخوردی انتقادی داشته باشیم و برای ارتقای آن گامهای جدی برداریم؛ زیرا طراحی شهری در واقع در خدمت توسعه (و نه فقط رشد یا گسترش) شهری و به عبارت دیگر در خدمت ارتقاء کیفی زندگی شهری و رفاه عمومی است.

به گمان ما طراحی شهری یعنی ساماندهی، روانسازی، زیباسازی و آرایه بندی محیطهای عمومی باز و بسته برای انسانی کردن زندگی شهری، از طریق خلق وضعیتی که قبلاً وجود نداشته است. طراحی شهری خلق و آفرینش و تحقق فضاهای تازه و تغییر چهره بندی فضاهای موجود یا زیباسازی آنها - باتوجه به هنجارها و ارزشها و بینشهای حاکم بر پدیدآورندگان این فضاهاست.

طراحی شهری در واقع در حد فاصل معماری و برنامه ریزی شهری قرار دارد و می توان گفت وظایف آن از برنامه ریزی شهری شروع و به معماری ختم می شود. اما از آنجا که سابقه زیادی در تداخل وظایف طراحی شهری و معماری از یک سو و برنامه ریزی شهری از سوی دیگر در خیلی از جاهای دنیا، به ویژه در کشور ما، وجود داشته است، لازم می دانیم که به تفاوت واقعی بین آنها توجه کنیم.

و اراده لازم را به وجود آورند؛ چقدر می توانند به رغم تفاوتهای فکری، در وحدت نظر نسبت به منافع مردم، با هم متحد شوند و باهم برای خدمت تبانی کنند. بدون این تبانی امکان کار نیست. کسانی که لازم نیست تبانی کنند دارند کار خود را می کنند. ما به عنوان شهرساز، معمار یا طراح شهری باید باهم عمل کنیم. در این صورت است که می توانیم نحوه مشارکت عمومی، حوزه ها و مصادیق آن را تشخیص دهیم، آنها را مطرح کنیم و غریبگی طراحی را از بین ببریم.



کیومرث کریمی

مهندسان مشاور آمود

اخیر روشهای بسیاری در این عرصه به محک تجربه گذاشته شده است. حاصل این تجارب در دسترس است و می تواند راهنمای ما باشد. اما امروزه پدیده ای که ما به عنوان شهر می شناسیم تفاوتهای ماهوی با شهرهای سه دوره گذشته دارد. دستاوردهای علوم و فنون بر زندگی شهری تأثیر گذاشته اند، مقیاسها: مقیاس حرکت، مقیاس خیابانها، مقیاس ساختمانها، دستخوش تغییر شده اند، شهرها دیگر در عرصه های باز ساخته نمی شوند، از درون، بر روی شهرهای دوره سوم رشد می کنند. شهر تهران هم روی بافت موجود خودش دارد نوسازی می شود، چه در مقیاس کلان، چه خرد. خیلی از محلات هم که الزاماً قدیمی نیستند زیر ساخت و سازهای جدید قرار می گیرند. بنابراین ما در آستانه تجربه دوره چهارمی قرار داریم. طراحی شهری بهتر از هر رشته دیگری می تواند این تحول را منعکس کند و کسانی که در این زمینه کار می کنند بهترین کسانی هستند که می توانند در انعکاس درست، این تحول یاریمان کنند. اما باید به تفاوت میان دو گروه خردمندان متحجر که به فرمولهای گذشته متوسل می شوند و خردمندان متحول که تحول را دریافته اند و در آن مشارکت می کنند توجه کنیم. اگر امیدوار باشیم که عنوان خردمند متحجر درباره ما مصداق پیدا نکند، در شرایط کنونی راهی جز این که از لای درهای بسته به درون بخزیم و کاری صورت دهیم، برایمان نمانده است. چون جز ما کسی به این امور فکر نمی کند. زمان شاه عباس دیگر گذشته است؛ مشارکت مردم در سرنوشت خودشان اصل است و باید دید روشنفکران چقدر می توانند در این دوره چهارم شهرسازی نقش بازی کنند؛ چقدر می توانند مشارکت مردمی را هدایت کنند